مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۱، بهار تابستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ۲٤

DOI: 10.22067/jlkd.2021.68084.1004

عوامل نقشمند در جهت فرایند همگونی در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی بر مبنای دیدگاه سیبویه

زهرا کریمی باوریانی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)
دکتر زینب محمد ابراهیمی (استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)
دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
دکتر یدالله منصوری، (استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

صص: ۵۳-۲۷

چکیده

فرایند همگونی از فرایندهای رایجی است که در بیشتر زبان‌ها به فراوانی یافت می‌شود. این فرایند اغلب به دو صورت پسرو و پیشرو روی می‌دهد. پژوهش پیش رو به بررسی عواملی که در تعیین جهت فرایند همگونی دارای نقش هستند، پرداخته است. مبنای مورد استفاده، دیدگاه سیبویه بوده و داده‌های بررسی شده از زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری گردآوری شده‌اند. این پژوهش به بررسی عوامل نقش‌مند در جهت فرایند همگونی در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی غربی بر مبنای دیدگاه سیبویه پرداخته است. بدین منظور، پنج فرایند همگونی در این زبان‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به باور دبیرمقدم (۱۳۹۳) زبان‌های ایرانی غربی جنوبی عبارتند از فارسی، لارستانی، لارکی، دلواری، بختیاری، دوانی و لری. واحد بررسی‌ها تکواژ و واژه، و جایگاه‌های مورد بررسی، مرز هجا و پایانه می‌باشند. به منظور گردآوری داده‌ها، هم از منابع کتابخانه‌ای و هم میدانی بهره گرفته شده است. از جمله دستاوردهای این پژوهش این است که مشخصه‌های ذاتی که مربوط به جایگاه و روش تولید هستند مانند [+تیز]، [+خیشومی]، جزو مشخصه‌های غالب در جهت همگونی است و واج‌های دارنده چنین مشخصه‌هایی قدرت لازم در غلبه و همگون کردن سایر واج‌ها را دارند. همچنین، قدرت نسبی جایگاهی آغازه نسبت به

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱   تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

پست الکترونیکی:
1. karimibavaryani@gmail.com   2. Z_mebrahimi@sbu.ac.ir
3. akord@modares.ac.ir   4. Y_mansouri@sbu.ac.ir

پایانه، یکی دیگر از عواملی است که جهت همگونی را در این زبان‌ها، مشخص می‌کنند و هنگامی که این دو عامل در فرایند با یکدیگر رقابت می‌کنند، خنثی‌شدگی روی داده و باعث بازداری از بروز همگونی می‌گردد. همگونی پیشرو در این زبان‌ها رایج‌تر از پسرو می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سیبویه. قدرت جایگاهی. قدرت ذاتی، همگونی. زبان‌های ایرانی جنوب غربی

۱.مقدمه

پس از مطالعه فرایندهای همگونی در زبان‌های ایرانی جنوب غربی، این پرسش برای نگارنده مطرح گردید که مبنای دسته‌بندی این فرایندها به لحاظ جهت به سه دسته پسرو، پیشرو و دوسویه چیست و اینکه چه عواملی در تعیین جهت فرایند همگونی دخیل است. به منظور آشکارتر شدن بحث، چند نمونه از فرایندهای پیشرو و پسرو در زبان‌های بختیاری، دوانی، لری و لارستانی در جدول (۱) نشان داده شده است (نشانه ''*'' به معنای "غیرمجاز" است):

جدول ۱- نمونه‌ای از فرایندهای همگونی پیشرو و پسرو در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی

جهت همگونی	روساخت ۲	روساخت ۱	زیر ساخت	زبان
پیشرو	* ɟa**dd**om	ɟa**nn**om	ɟa**nd**om	بختیاری
پسرو	*ta**nm**al	Ta**mpal**	ta**nb**al	دوانی
پیشرو	* towe**tt**u	Towessu	tābe**st**ān	لری
پسرو	* a**n.m**ār	ʔa**m.b**ār	a**n.b**ār	لارستانی

جهت همگونی	صورت غیرمجاز	روساخت	زیرساخت	زبان
پیشرو	* ɟa**dd**om	ɟa**nn**om	ɟa**nd**om	بختیاری
پسرو	*ta**nm**al	ta**mpal**	ta**nb**al	دوانی
پیشرو	* towe**tt**u	towe**ss**u	tābe**st**ān	لری
پسرو	* a**n.m**ār	ʔa**m.b**ār	a**n.b**ār	لارستانی

همچنان که داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهند، در زبان بختیاری توالی /nd/ در مرز هجا به/nn/ تبدیل شده و صورت /dd*/ غیرمجاز است؛ به این معنی که همگونی پیشرو روی داده است. این پرسش مطرح می‌شود که چرا با این که همگونی‌ها بیشتر پسرو هستند، این همگونی

پیشرو است و چه عواملی در جهت این فرایند نقش‌مند می‌باشند و این که چرا واج /n/ بر /d/ غلبه کرده است. همچنین دلیل این‌که درزبان لارستانی، همان واج خیشومی در توالی /nb/، به طور پسرو با واج انسدادی واک‌دار تیغه‌ای همگون شده، اما آن را با خود همگون نساخته و به جای ایجاد توالی /nn/، توالی /mb/ تولید گردیده است، چیست.

همچنان که داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهند، در زبان بختیاری توالی /nd/ در مرز هجا به/nn/ تبدیل شده و صورت /dd*/ غیرمجاز است؛ به این معنی که همگونی پیشرو روی داده است. این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی در جهت این فرایند نقش‌مند می‌باشند و این که چرا واج /n/ بر /d/ غلبه کرده است. همچنین دلیل این‌که در زبان لری، همخوان /s/ در توالی /-st/، به طور پیشرو، همخوان /t/ را با خود همگون کرده است، چیست؟

به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، آرای سیبویه در باب فرایند همگونی برگزیده شد. دلیل گزینش سیبویه، این است که نگارنده بر خود واجب دانست تا از آرای واج‌شناسانه زبان‌شناسی از سرزمین کهن خویش که تاکنون بر ایرانیان آشکار نگردیده بهره جوید تا آرای ارزشمند این دانشمند ایرانی به عنوان یک واج‌شناس، که نخستین اثر فاخر و فراگیر در دستور زبان عربی را به دست داد، به ایرانیان معرفی کند.

دبیرمقدم (۱۳۹۳: ٩٦) در کتاب "رده شناسی زبان های ایرانی" (جلد اول)، زبان های جنوب غربی ایران را زبان‌های فارسی، لری، بختیاری، دوانی، لارستانی، دلواری و لارکی، عنوان می دارد.

هدف از انجام این پژوهش، پرداختن به دیدگاه سیبویه در ارتباط با رابطه همگونی با "قدرت نسبی جایگاهی"[1] و "قدرت ذاتی"[2] واج‌ها و طرح عوامل تعیین‌کننده جهت همگونی و تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از فرایندهای همگونی در زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری، گویش زبان دوانی، در چارچوب معرفی شده توسط سیبویه است.

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش پیش‌رو، عبارتند از: ۱- عوامل نقش‌مند در جهت همگونی در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی کدامند؟ ۲- کدام جایگاه و مشخصه واجی در بروز فرایند همگونی در این زبان‌ها نقش غالب دارد؟ ۳- کدام جهت در فرایند همگونی در این زبان‌ها رایج‌تر است؟

1- positional strength
2- inherent strength

پژوهش پیش‌رو با واکاوی کتاب «اسیبویه واج‌شناس» اثر النصیر (1993) که بررسی انتقادی نظریه واجی و آوایی مطرح شده در «الکتاب» سیبویه است، به منظور دست‌یابی به آرای سیبویه در ارتباط با فرایند همگونی انجام شده است. نگارنده این کتاب را به طور کامل مطالعه کرده، و مبنای اصلی پژوهش خویش را به آرای سیبویه که در فصل چهارم با عنوان "همخوان‌ها در بافت" مطرح گردیده، قرار داده است و به منظور گرداوری داده‌های زبان دوانی زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری، از منابع کتابخانه‌ای و نیز پژوهش‌های میدانی بهره گرفته شده است. از مهم‌ترین منابع کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها عبارتند از: «فرهنگ گویش دوانی» و «گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفتر پنجم)» از عبدالنبی سلامی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۸)، «فرهنگ لری» (ایزدپناه ۱۳۸۱).

ساختار این پژوهش بدین صورت است که در بخش نخست مقدمه، و در بخش دوم پیشینه پژوهش مطرح شده‌اند. بخش سوم به معرفی دیدگاه سیبویه در ارتباط با همگونی اختصاص دارد. فصل چهارم به بررسی و تحلیل داده‌ها پرداخته است. بخش پنجم نیز به دستاوردهای پژوهش اختصاص دارد.

۲.پیشینه پژوهش

تاکنون آثار فراوانی در ارتباط با بررسی فرایند همگونی در چهارچوب‌های گوناگون در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی منتشر گردیده است که در این مجال کوتاه، قادر به بازگویی تمامی آنها نیستیم، اما تا آنجا که بررسی شده، اثری به بررسی این فرایند بر مبنای آرای سیبویه در این زبان‌ها، نپرداخته است. بنابراین پژوهش حاضر، نخستین اثر در این ارتباط می‌باشد. در این بخش، به دلیل کوتاه بودن مجال، تنها پیشینه بررسی همگونی در چند زبان معرفی شده‌اند.

علی‌نژاد و میرسعیدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی صوت‌شناسی فرایند همگونی همخوانی در زبان فارسی پرداخته‌اند. بررسی‌های صوت‌شناختی در حوزه‌های شدت، دیرش، سازه اول و دوم و سوم آواهای همجوار در فرایند همگونی صورت گرفته است. نخست، ویژگی‌های صوت‌شناختی هر یک از آواها در بافت غیرهمگون در جایگاه‌های آغازه، میانی و پایانه مشخص شده و با همان ویژگی‌ها در بافت همگونی مقایسه گردید. نتایج نشان می‌دهد که در زیرساخت فرایندهای همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی محاوره‌ای، نوعی

همگونی صوت‌شناختی در متغیرهای فیزیکی شدت دیرش، سازه اول، سازه دوم و سازه سوم وجود دارد.

منصف، کامبوزیا و گلفام (۱۳۹۶) به بررسی فرایند همگونی در همخوان‌های پانزده گونه زبانی استان فارس از جمله دوانی و لارستانی در چارچوب واج‌شناسی زایشی پرداخته‌اند. منبع عمده برای اکثر گونه‌ها مجموعه کتابهای سلامی (۱۳۸۳، ۱۳۸٤، ۱۳۸۵، ۱۳۸٦و ۱۳۸۸) تحت عنوان «گنجینه گویش‌شناسی فارس» بوده است. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش این است که در این پانزده گونه زبانی، پنج فرایند همگونی میان همخوان‌ها مشاهده شد. تحلیل این فرایندها نشان می‌دهد که فرایند همگونی همخوان با همخوان در خوشه‌های همخوانی /-st/ و /-nb/ بسیار متداول است و از میان این دو خوشه همخوانی نیز همگونی در خوشه همخوانی /-st/ رایج تر از همگونی در خوشه /-nb/ است. در این گونه‌های زبانی در همگونی همخوان‌ها در توالی دو همخوانی همواره همخوان رساتر غالب است .در مقایسه انسدادی‌ها و خیشومی‌ها، خیشومی‌ها رساتر و غالب هستند. به علاوه، در پانزده گونه زبانی مورد بحث، همگونی در مشخصه روش تولید پربسامدتر از همگونی در سایر مشخصه‌ها همانند جایگاه تولید و واک‌داری است، همگونی پیشرو رایج‌تر از همگونی پسرو بوده و همگونی ناقص نیز رایج‌تر از همگونی کامل است.

فاضلی و موحد نساج (۱۳۹٦) در مقاله‌ای به بررسی فرایندهای واجی و آوایی مانند: قلب، ابدال، افزایش، همگونی و ناهمگونی در گویش بختیاری و مقایسه با فارسی دری پرداخته‌اند. از جمله دستاوردهای این تحقیق این است که واج نرم کامی- انسدادی/ q/ گاه در مجاورت دو واج سایشی/ s/ و/ š/ خصوصیت انسدادی خود را از دست می‌دهد و به واج نرم کامی- سایشی/ x/ تبدیل می‌شود. واج خیشومی/ n/ در مجاورت واج کناری/ l/ خصوصیت خیشومی خود را از دست می‌دهد و به واج کناری/ l/ تبدیل می‌شود. واج دولبی/ b/ درکنارواج خیشومی/ n/ برروی آن تاثیر می‌گذارد و آن را به واج خیشومی دولبی/ m/ تبدیل می‌کند.

به گفتهٔ دیانت (۱۳۹۵) همگونی در زبان لاری شامل همگونی کامل و ناقص، همگونی پیوسته و ناپیوسته، همگونی پیشرو و پسرو است. امّا در این زبان همگونی دوسویه وجود ندارد. فرایند همگونی همخوان با همخوان شامل همگونی در واک، جایگاه تولید و شیوهٔ تولید است. اما همگونی همخوان با واکه در زبان لاری وجود ندارد.

محمدی و خرّم (۱۳۹۷) رفتار واجی همگونی همخوان‌ها در زبان فارسی را در جایگاه‌های واجی مختلف در چارچوب نظریه بهینگی را مورد بررسی قرار داده‌اند و باین یافته حاصل شده که همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی به گره‌های واجگان همخوان با همخوان، واکه و مشخصه‌های پایانی حساس است و بالاترین فضایی که در آن همگونی همخوان با همخوان رخ می‌دهد، گره‌های خیشومی و به‌طورقطع کناری است که هر سه نوع همگونی در قواعد همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی دیده می‌شود.

۳. روش پژوهش

سیبویه فرایندهای همگونی در زبان عربی را سه دسته معرفی می‌نماید که عبارتند از ادغام، اخفاء و ابدال. در این پژوهش، به فرایند ادغام چرداخته شده است. به باور وی همگونی در دو جهت «پیشرو» و «پسرو» روی می‌دهد.همگونی به لحاظ درجه را وی به دو دسته همگونی کامل و جزیی تقسم می‌کند و اصطلاح «تشدید» را برای همگونی کامل به کار می‌برد. سیبویه از همگونی به عنوان ابزاری در جهت سهولت تلفظ یاد می‌کند. وی در روی دادن همگونی به صورت پسرو یا پیشرو، چندین عامل را نقش‌مند می‌داند که عبارتند از «قدرت ذاتی» واجی، «قدرت جایگاهی» واج‌ها، جلوگیری از ابهامات معنایی، محدودیت‌های حاکم بر واج‌آرایی، عوامل ادراکی و شنیداری. در پژوهش پیش‌رو، به عامل قدرت پرداخته شده است.

پژوهش پیش رو، به گونه‌ای کیفی به بررسی عواملی که باعث روی دادن فرایندهای همگونی در زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری، به صورت پیشرو یا پسرو گردیده، پرداخته است. تحلیل داده‌ها بر مبنای رویکرد مطرح شده توسط سیبویه (قرن ۷ م.) در ارتباط با عوامل تأثیرگذار در تعیین جهت همگونی صورت گرفته است. سیبویه رویکرد خویش را با بررسی فرایند همگونی در زبان عربی مطرح ساخته و این پژوهش، در پی به کارگیری آن، در توصیف جهت روی دادن فرایند همگونی در زبان‌های یاد شده است.

روش پژوهش، متّکی بر داده‌های موجود که به صورت تکواژ و واژه هستند، بوده و بیشتر از منابع کتابخانه‌ای در قالب فرهنگ‌های واژگان، گردآوری شده‌اند. ملاک انتخاب داده‌ها، واژگان محاوره‌ای بوده که دستخوش فرایند همگونی قرار شده‌اند. پس از گردآوری داده‌ها، واژه‌های هر زبان بر اساس نوع فرایند همگونی روی‌داده بر آنها، مشخّص و دسته‌بندی گردیده و همراه با سایر واژه‌ها از زبان‌های دیگر در دسته‌های گوناگون همگونی قرار داده و با توجّه به

رویکرد موردنظر بررسی و تحلیل شده‌اند. در این پژوهش مرز تکواژ با نشانهٔ «#» و مرز هجا با نشانهٔ «σ » **نشان داده شده‌اند.**

۱-۳. نقش قدرت ذاتی در جهت همگونی

النصیر (al-Nasir, 1993, p. 11)، فهرست ۲۹ حرف اصلی زبان عربی، به ترتیب یاد شده توسط سیبویه، را به شرح زیر مطرح ساخته است.

جدول ۱- فهرست واجی زبان عربی

IPAنشانه	نام صدا	IPAنشانه	نام صدا	IPAنشانه	نام صدا
z	زای	ʤ	جیم	ʔ	همزه
s	سین	ʃ	شین	a:	الف
ðˤ	ظاء	j	یاء	h	هاء
ð	ذال	l	لام	ʕ	عین
Ɵ	ثاء	r	راء	ħ	حاء
f	فاء	n	نون	ʁ/ɣ	غین
b	باء	tˤ	طاء	χ	خاء
m	میم	d	دال	k	کاف
w	واو	t	تاء	G	قاف
		sˤ	صاد	dˤ	ضاد

سیبویه قدرت ذاتی واج‌ها را در ویژگی‌های تولیدی آنها یعنی مشخصه‌های جایگاه تولید، روش تولید و واک‌داری عنوان می‌کند. در ارتباط با جایگاه تولید، وی دو عامل نزدیک بودن جایگاه تولید به ناحیه مرکزی حفره دهان و مشابه یا همجوار بودن جایگاه‌های تولید را در بروز فرایند همگونی و جهت آن دارای نقش می‌داند. النصیر (1993: 114) بر اساس دیدگاه سیبویه، سلسله‌مراتب قدرت واجی در زبان عربی را ارائه می‌سازد که به شرح زیر است:

به باور وی، هر چه جایگاه تولید یک واج به ناحیه مرکزی حفره دهان نزدیک‌تر باشد، احتمال شرکت آن واج در فرایند همگونی بیشتر است.

به عنوان نمونه، در ترکیب همخوان‌های پسین /h/ (ه) و /ħ/ (ح)، واج افراشته‌تر /ħ/ (ح) قدرت همگونی واج افتاده‌تر /h/ را دارد. واج /ħ/ نسبت به واج /h/ به جایگاه مرکزی حفره

دهان نزدیک‌تر است و همین باعث قدرت ذاتی واج /ħ/ می‌گردد و توالی /ħħ/ تشکیل می‌گردد.

نمودار (٤-١)- سلسله‌مراتب قدرت واجی النصیر (1993) (نماد ">" یعنی "قوی‌تر از")

ریشه: واحد آغازی > واحد میانی > واحد پایانی

هجا: جایگاه آغازی > جایگاه پایانی

حروف: متحرک > ساکن

همخوان > واکه

همخوان: انسدادی > سایشی

همخوان: بی‌واک > واک‌دار

واکه باز > واکه بسته

واکه پسین > واکه پیشین

همخوان: نرم‌کامی‌شده > غیرنرم‌کامی‌شده

همخوان تیز > غیر تیز

بازنمایی خطی ۳-۱. همگونی کامل پسرو در مشخصه [+افراشته]

(1) /wāǰi**h ħ**ajdar/ → /wāǰi**ħħ**ajdar/ «حیدر را ملاقات کن»

سیبویه عنوان می‌دارد که ادغام میان سه همخوان‌های سایشی لثوی، بهتر و محتمل‌تر از ادغام میان همخوان‌های سایشی دندانی است زیرا جایگاه تولید گروه دوم از ناحیه مرکزی حفره دهان دورتر از گروه نخست است.

بازنمایی خطی ۳-۲. همگونی کامل پسرو در مشخصه [+واک]

(1) /awʤi**z s**a:bir/ → [ʔawʤi**ss**a:bir] «به صابر توجه کن»

به باور سیبویه همگونی بین همخوان‌هایی که جایگاه تولید مشابه دارند، محتمل‌تر از همگونی بین همخوان‌هایی است که جایگاه تولید غیر مشابه دارند، زیرا در توالی دو همخوان دارای یک جایگاه تولید، برای گوینده آسان‌تر است که فقط یک بار زبانش را برای دو واحد واجی یکسان به حرکت درآورد؛ یعنی در روش فراگویی برون‌داد تغییراتی ایجاد می‌شود. دو واحد دارای یک مرحله رهش خواهند بود. برون‌داد مشدد فرایند ادغام، یک همخوان کشیده به حساب نمی‌آید، زیرا هر واحد واجی به هجای جداگانه‌ای تعلق دارد.

در ساختار *C1VC2* زمانی که دو همخوان مشابه توسط یک واکه کوتاه از هم جدا شده‌اند، ادغام با حذف واکه کوتاه بینابینی صورت می‌گیرد و دو همخوان بـرای تشـکیل واج مشـدد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند:

بازنمایی خطی ۳-۳. فرایند ادغام در ساختار *C1VC2*

(1) /ra**dad**a/→[ra**dd**a] «او برگشت»

در ساختار *C1V # C1*، زمانی که دو همخوان مشابه در مرز، بـا واکـه کوتـاه از هـم جـدا شوند، ادغام تنها زمانی امکان‌پذیر است که برونداد مشدد در بافت بین‌واکه‌ای ظاهر شود:

بازنمایی خطی ۳-٤. فرایند ادغام در ساختار *C1V # C1*

(1) /ja**du d**a:wu:da/ → [ja**dd**a:wu:da] "دست داوود"

سیبویه بخش کاملی از الکتاب به بررسـی همگـونی بـین دو همخـوان ناهمسـان کـه درای جایگاه تولید همجوار هستند، اختصاص دارد. وی در این بخش به همخوان‌هایی کـه ادغـام را نمی‌پذیرند (همخوان‌هایی که نه همگون می‌شوند و نه دیگر همخوان‌ها را همگون می‌کننـد) و همخوان‌هایی که دیگر همخوان‌های هم-جایگاه تولید را همگون مـی‌کننـد امـا بـا آن همگـون نمی‌شوند، می‌پردازد و دلیل این عدم همگونی را عامل دیگر نقش‌مند در فرایند همگونی یعنـی «قدرت جایگاهی» عنوان می‌دارد.

به عنوان نمونه، واکه‌های بلند و نیم‌واکه‌ها با همخوان همجوار خـود همگـون نمـی‌گردنـد. وی دلیل عدم همگونی آنها را دارا بودن مشخصه‌های آوایی "نرمی" و "کشـش" مـی‌دانـد کـه نمی‌توانند آنها را به همخوان‌های همجوارشان گسترش دهند و نیز نمی‌توانند بـا آنهـا همگـون شوند.

بازنمایی خطی ۳-۵. عدم همگونی نیم‌واکه‌ها با همخوان هم-جایگاه تولید

(1) /ɣula:ma**j ʤ**a:bir/ → [ɣula:ma**j ʤ**a:bir] «دو پسر جابر»

(2) /la**w m**alaka/ → [la**wm**alaka] «او می‌داشت»

سیبویه دلیل روی ندادن ادغام در موارد بـالا را جلـوگیری از گسـترش مشخصـه "واکـه‌ای شدن"[1] به همخوان‌های خالص عنوان می‌کند. تنها مورد استثناء، واج /n/ است که نیم‌واکه پـس از خود را به طور کامل با همگون می‌سازد: همخوان /n/ است که با نیم‌واکـهٔ پـس از خـود بـه طور کامل همگون گردیده است:

1 vocalicity

بازنمایی خطی ۳-٦. فرایند همگونی کامل پسرو نیم‌واکه با /n/ همخوان /n/ با نیم‌واکه

(1) /ma**n** **j**akun/ → [ma**jj**akun] «کسی که ممکن است باشد»

(2) /ma**n** **w**ulida/ → [ma**ww**ulida] «کسی که زاده شد»

اگر دو واج هم جایگاه تولید /b/ و /m/ در توالی با هم قرار گیرند، با هم ادغام می‌شوند. این همخوان‌ها دارای مشخصه‌های مشابه [+لبی، واک] هستند که احتمال همگونی آنها را بیشتر می‌کند. که در این مورد واج /m/ به دلیل داشتن مشخصه [+خیشومی] واج پیش از خود را به طور کامل در جهت «پسرو» با خود همگون می‌سازد.

بازنمایی خطی ۳-۷. بازنمایی همگونی کامل پسرو /m/ همخوان /b/

(1) /isˤħa**b** **m**aṭar/ → [ʔisˤħa**mm**aṭar] «با مطر همنشینی کن»

دو واج /b/ با جایگاه تولید لبی و واج /f/ با جایگاه تولید لبی-دندانی به علت داشتن جایگاه تولید همجوار با یکدیگر ادغام می‌گردند. و واج /f/ به واسطه داشتن مشخصه [+تیز]، به طور پسرو همخوان پیش از خود را به طور کامل با خود همگون می‌سازد.

بازنمایی خطی ۳-۸. همگونی کامل پسرو همخوان‌های هم-جایگاه تولید

(1) /iðha**b** **f**awran/ → [ʔiðha**ff**awran] «به وسیله آن برو» «فوراً برو»

همخوان /r/ نیز در توالی با همخوان‌های با جایگاه تولید همجوار، ادغام می‌گردد و به دلیل داشتن مشخصه ذاتی قوی [+لرزشی]، به طور پسرو همخوان پیش از خود را به طور کامل همگون می‌سازد.

بازنمایی خطی ۳-۹. فرایند همگونی کامل پسرو همخوان زنشی

(1) /ha**l** **r**a'ayta/ → [ha**rr**aʔayta] «آیا دیدی؟»

(2) /ma**n** **r**a'ayta/ → [ma**rr**aʔayta] «چه کسی را دیدی؟»

همان‌گونه که در نمونه‌های زیر نیز مشاهده می‌گردد، همخوان‌های دارای جایگاه تولید یکسان یا همجوار، با یکدیگر ادغام می‌گردند. همچنان که در هر یک از نمونه‌ها دیده می‌شود، همخوان‌های متوالی دارای مشخصه‌های ذاتی یکسانی هستند.

بازنمایی خطی۳-۱۰. همگونی کامل پسرو همخوان‌های دارای جایگاه تولید یکسان یا همجوار

(1) /aaxri**ʤ** **ʃ**ay'an/ → [ʔaxri**ʃʃ**ayʔan] "چیزی را بیرون آوردن"

(2) /usku**t** **d**awman/ → [ʔusku**d** **d**awman] "ساکت باش"

(3) /wa ʕ a**d** **t**uhu/ → [waʔa**tt**uhu] "من به او قول دادم"

(4) /ifha**s** **z**ajd/ → [ʔifha**zz**ajd] " زید را امتحان کن"

(5) /awʤi**z** **s**a:bir/ → [ʔawʤi**ss**a:bir] "به صابر توجه کن"

نقش مشخصه روش تولید در جهت فرایند همگونی: از جمله مشخصه‌هایی که به باور سیبویه به یک واج قدرت ذاتی برای غلبه بر سایر واج‌های فاقد آنها، اعطا می‌کنند عبارتند از [+ خیشومی]، [+تیز]، [+زنشی]،[+ریشه گسترده زبان]. اگر دو واج همجوار هر یک دارای یکی از این مشخصه‌ها باشد، غلبه یکی بر دیگری به عامل دیگری به نام «قدرت جایگاهی» مرتبط است که در بندهای بعد به آن اشاره می‌گردد. به عنوان نمونه، در ترکیب دو همخوان /m/ و /b/، واج /b/ به طور کامل با واج خیشومی همگون می‌گردد.

بازنمایی خطی ۳-۱۱. همگونی کامل پسرو در مشخصه [+خیشومی]

(1) /isˤ ħa**b** **m**a tˤar/ → [ʔisˤ ħa**mm**a tˤar] «با مطر همنشینی کن»

تفاوت آوایی بین این دو همخوان این است که، واج /m/ دارای مشخصه‌های [+پیوسته، + خیشومی] و واج /b/ دارای مشخصه‌های [_ پیوسته، −خیشومی] است. به باور سیبویه، عاملی که باعث غلبه /m/ بر /b/ می‌شود، مشخصه ذاتی [+خیشومی] و قدرت جایگاهی آن است، زیرا در جایگاه دوم (آغازه) قرار دارد. بنابراین در این فرایند، هر دو عامل خیشومی بودن و قرار داشتن در جایگاه قوی، با هم همکاری کرده و در رقابت نیستند. مشخصه [+پیوسته] واج خیشومی در این بافت نقشی ندارد زیرا واج /m/ بر دیگر همخوان‌های [−پیوسته] در بافت‌های مشابه، مانند /mu**dm**in/ (یک معتاد) و /mu**km**il/ (مکمل) غلبه ندارد.

سیبویه، مشخصه [+تیز] را ویژگی شنیداری "بلندتر"[1] عنوان می‌دارد. همخوان‌هایی که به لحاظ شنیداری بلندتر شنیده می‌شوند در سلسله‌مراتب قدرت واجی در مرتبه بالاتری نسبت به واج‌هایی که آهسته‌تر شنیده می‌شوند، قرار می‌دهد. این ویژگی باعث می‌شود که همخوان‌های دارای این مشخصه، در همگونی با همخوان‌های دیگر مقاومت کنند و با وجود قرار داشتن در یک جایگاه ضعیف، مشخص‌کننده جهت همگونی باشند. دو ویژگی "بلندتر" و "آهسته‌تر" مطرح شده توسط سیبویه، با تقابل میان "تیز"[2] و "ملایم"[3] که یاکوبسن[4] و هله[5] بیان داشته‌اند، مطابقت دارند.

1- louder
2- strident
3- mellow
4- Jakobson
5- Halle

بازنمایی خطی ۳-۱۲. همگونی کامل پسرو در مشخصه [+پیوسته]

(1) /ʤa:ʔa**t** **z**ahra:/ → [ʤa:ʔa**zz**ahra:] «زهرا آمد»

(2) /qa**d** **s**amiʕa/ → [qa**ss**amiʕa] «او شنیده است»

(3) /ʔiðha**b** **f**awran/ → [ʔiðha**ff**awran] «به وسیله آن فوراً برو»

مشخصه دیگر که به باور سیبویه به لحاظ ذاتی به یک همخوان قدرت بیشتری نسبت به دیگر همخوان‌ها می‌دهد، مشخصه [+زنشی] است که همخوان /r/ واجد آن می‌باشد.

بازنمایی خطی ۳-۱۳. همگونی کامل پسرو همخوان زنشی

(1) /ha**l** **r**aʔajta/ → [ha**rr**aʔajta] «آیا دیدی؟»

۳-۲. نقش قدرت جایگاهی در جهت همگونی

به باور سیبویه، در فرآیند ادغام، یک واج تمایل به همگونی با واحد پس از خود دارد. وی مکررا بیان می‌دارد که صورت اصلی ادغام، ترکیب نخستین واحد با واحد دوم، برای تشکیل واحد مشدد است. این گفته‌ها، نشان می‌دهند که درک وی از این فرایند، "همگونی پسرو"[1] بوده است. وی، همگونی پسرو را صورت پیش‌فرض این فرایند می‌داند و به هنگام توصیف همگونی در زبان عربی، مفهوم "قدرت جایگاهی نسبی" عناصر واجی را مطرح می‌کند. کاربرد همگونی پسرو در زبان عربی، به این موضوع اشاره دارد که در فرایند ادغام که در مرز هجا روی می‌دهد و دو همخوان که به دو هجای مختلف تعلق دارند با هم ادغام می‌شوند و نتیجه آن، تشکیل یک واج مشدداست، واج دوم قویتر است زیرا در آغازه هجا قرار دارد و بر واج ضعیف‌تر که در پایانه هجا است تسلط دارد. بر اساس قدرت جایگاهی نسبی دو همخوان در ترکیب، همخوان دوم قوی‌تر بر همخوان نخستین ضعیف غالب می‌گردد. بنابراین، قدرت جایگاهی نسبی یک واج، تعیین‌کننده جهت همگونی در ترکیب است. این نوع قدرت، در برخی از موارد باعث می‌شود که سایر معیارهای ذاتی واحدهای واجی برون‌داد، تحت تأثیر قرار گیرند. موضوع "قدرت جایگاهی نسبی" مطرح شده توسط سیبویه در قرن دوم ه. ق (قرن هشتم م)، پیش از زبانشناسان مدرن، در ارتباط با رفتار واحدهای همجوار در همگونی بیان شده است.

به هنگام روی دادن فرایند همگونی، «قدرت ذاتی» و «قدرت جایگاهی» واج‌ها با یکدیگر در رقابتند. در بسیاری از موارد فرایند همگونی، این «قدرت جایگاهی» یک واج است که

1- regressive assimilation

جهت «پسرو» یا «پیشرو» بودن فرایند را تعیین می‌کند. در برخی از موارد همگونی که در بندهای پیشین ذکر شد، اگر همخوان‌های دارای «قدرت ذاتی» چه به جهت جایگاه تولید آن و چه به جهت روش تولیدش، دارای جایگاهی غیر از جایگاه فعلی خود داشته باشد، در فرایند همگونی مغلوب می‌گردد. نمونه‌های زیر موید این موضوع هستند. وقتی دو عامل قدرت خیشومی و قدرت جایگاهی، با یکدیگر در رقابتند، خنثی‌شدگی روی می‌دهد و هیچ‌گونه فرایند همگونی روی نمی‌دهد.

همخوان /r/ با وجود داشتن قدرت ذاتی [+زنشی] اگر در جایگاه پایانه قرار داشته باشد، نمی‌تواند همخوان همجوار که در جایگاه آغازه ظاهر شده است را با خود همگون سازد (نمونه ۱). همخوان /f/ که دارای مشخصه ذاتی [+تیز] است، چون در جایگاه ضعیف پایانه قرار دارد نمی‌تواند واج /b/ را با خود همگون سازد اما به دلیل داشتن قدرت ذاتی بیشتر نسبت به واج انسدادی، با آن که در جایگاه ضعیف قرار دارد با آن همگون نمی‌گردد (نمونه ۲). همان‌طور که در نمونه (۳) مشاهده می‌شود، واج /m/ با دارا بودن مشخصه ذاتی قوی [+خیشومی] از آن جا که در جایگاه ضعیف پایانه قرار دارد نمی‌تواند واج هم‌جایگاه تولید خود، /b/ را با خود همگون سازد و به دلیل داشتن قدرت ذاتی بیشتر نسبت به /b/ با آن همگون نمی‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این نمونه‌ها، قدرت ذاتی و جایگاهی با هم در رقابتند. همخوان‌هایی که به لحاظ ذاتی قوی هستند با واج موجود در جایگاه قوی همگون نمی‌شوند اما به خاطر قرار داشتن در جایگاه ضعیف، همخوان همجوار موجود در جایگاه قوی را با خود همگون نمی‌سازند.

بازنمایی خطی ۳-۱٤. بازنمایی خنثی‌شدگی

(1) /si**r** **l**ajlan/ → [si**rl**ajlan]	«در شب راه رفتن»
(2) /iʕri**f** **b**adran/ → [ʔiʕri**fb**adran]	«بدر را بشناس»
(3) /akri**m** **b**ihi/ → [ʔakri**mb**ihi]	«به او احترام بگذار»

سیبویه در ارتباط با همخوان‌هایی که دارای قدرت ذاتی یکسانی هستند، بر این باور است که جهت همگونی در توالی این همخوان‌ها با توجه به «قدرت جایگاهی» آنها، «پسرو» است. به عنوان نمونه، همان‌گونه که در موارد (٤) و (٥) مشاهده می‌شود، دو همخوان /k/ و /q/ انسدادی و دارای جایگاه تولید همجوار هستند و در تولید هر دو، زبان نقش دارد. این عوامل، احتمال بروز ادغام آنها را بالا می‌برد. بنابراین جایگاه قرار گرفتن آنها در توالی، جهت را

مشخص می‌کند که در هر دو مورد پسرو است. دو همخوان انسدادی تیغه‌ای /t, d/ نیز جهت همگونی «پسرو» است، زیرا هر دو دارای «قدرت ذاتی» یکسانی هستند و هر کدام در جایگاه آغازه هجای دوم قرار داشته باشد، به طور «پسرو» همگون همجوار را با خود همگون می‌کند به این دلیل که دارای «قدرت جایگاهی» بیشتری نسبت به واج واقع در پایانه است (نمونه‌های۳ و ٤). همخوان‌های تیغه‌ای سایشی /z, s/ که دارای مشخصه [+تیز] هستند نیز، اگر در توالی با یکدیگر باشند، همگونی «پسرو» خواهد بود.

بازنمایی خطی ۳-۱۵. بازنمایی همگونی کامل پسرو

(1) /ilħa**q** **k**aladah/ → [ʔilħa**kk**aladah] «از کلده پیروی کن»

(2) /amsi**k** **q**atˤanah/ → [ʔamsi**qq**adˤanah] «قضنه را بگیر»

(3) /usku**t** **d**awman/ → [ʔusku**dd**awman] «ساکت باش»

(4) /waʕa**d** **t**uhu/ → [waʕa**tt**uhu] «من به او قول دادم»

(5) /ilma**s** **z**ajd/ → [ʔilma**zz**ajd] «به زید دست بزن»

(6) /awʤi**z** **s**a:lim/ → [ʔawʤi**ss**a:lim] «به سلیم توجه کن»

٤.تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ۵ گونه فرایند همگونی در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی در چارچوب مطرح شده توسط سیبویه، بررسی گردیده است. قابل ذکر است که همه این ۵ نوع فرایند همگونی در هر یک از این زبان‌ها مشاهده نگردیده است و بنابراین، در ارتباط با هر یک از فرایندها، داده‌ها از زبان‌هایی که در آنها فرایند مورد نظر مشاهده، شده مطرح گردیده است.

٤-۱. همگونی پیشرو کامل انسدادی تیغه‌ای بی‌واک

توالی [+تیغه‌ای، +پیوسته، +تیز، −واک، +پیش‌دهانی]$_{\text{پایانه}}$ + [+تیغه‌ای، −پیوسته، −واک]$_{\text{آغازه}}$

در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، زمانی که واج سایشی تیغه‌ای /s/ در توالی با واج انسدادی تیغه‌ای بی‌واک /t/، در مرز هجا قرار گیرد، به طور کامل طی فرایند همگونی پیشرو، واج انسدادی را با خود همگون می‌کند و توالی /st-/ به صورت [ss-] تولید می‌شود.

جدول ۲- تبدیل توالی /-st/ به [-ss]

فارسی معیار	تابستان	زمستان	پستان	استخوان	بستن
زیرساخت	tɑbestɑn	zemestɑn	pestɑn	ostoχɑn	bastan
فارسی	tɑbessun	zemessun	pestɑn	ʔossoχun	bassan
دوانی	tovessu	Zemessu	pessu	ʔossoɣun	bassan
لارستانی	tɑvessu	Zemessu	pessun	ʔossoɣun	bassan
لری	towessu	Zimessu	pessu	hassaχun	bassan
بختیاری	towessun	zemessun	pesso	ʔosseχun	bassan

همچنان که داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد، همخوان انسدادی تیغه‌ای بی‌واک /t/ در مرز هجا و در بافت پس از همخوان سایشی تیغه‌ای بی‌واک، در مشخصه روش تولید [+پیوسته] به طور پیشرو، به طور کامل با آن همگون می‌گردد. بر اساس سلسله‌مراتب قدرت واجی مطرح شده در بخش مبنای نظری، همخوان‌های انسدادی (شدید) از همخوان‌های سایشی (رخو) دارای قدرت ذاتی بیشتری هستند. همچنین، واج انسدادی /t/ در جایگاه آغازه قرار دارد که بر اساس سلسله‌مراتب قدرت مطرح شده در بخش پیشین، در یک هجا این جایگاه از جایگاه میانی و پایانی قوی‌تر است و واج سایشی /s/ در جایگاه پایانه واقع شده است. اما همچنان که مشاهده می‌شود، در این فرایند، واج انسدادی مغلوب واج سایشی گردیده است و به طور کامل با آن همگون شده است. از آن جا که این همگونی در مشخصه [+پیوسته] که مربوط به روش تولید بوده و به گره ریشه متصل است روی می‌دهد، منجر به همگونی کامل، تشدید، می‌شود. واج انسدادی دارای دو عامل قدرت در این بافت است اما قدرت کافی برای همگون کردن واج پیش از خود را ندارد و همگونی به صورت پسرو روی نمی‌دهد. عامل تعیین جهت در این فرایند، مشخصه [+تیز] واج سایشی است که در این فرایند مشخصه غالب است که باعث می‌شود که واج دارای آن با وجود قرار داشتن در جایگاه ضعیف، در برابر همگونی مقاومت کند. از آنجا که واج‌های دارای این مشخصه به لحاظ شنیداری، قوی‌ترند، بر واج همجوار خود غلبه می‌کند. قاعده این همگونی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

قاعده ۱. تبدیل همخوان /t/ به /s/ در مرز هجا پس از همخوان /s/

$$t \rightarrow s\ /\ ._$$

قاعدهٔ ۱. تبدیل همخوان انسدادی به سایشی در مرز هجا

$$t \rightarrow s\ /\ VC\ _{\sigma}_\ V$$

+همخوان،-]V / [+همخوان،-رسا،+پیوسته،+تیغه‌ای،-واک] → [+همخوان،-رسا،-پیوسته،+تیغه‌ای،-واک]

V _σ [رسا،+پیوسته،+تیغه‌ای،-واک

قاعده (۱) نشان می‌دهد که همخوان انسدادی بی‌واک تیغه‌ای /t/ در مرز هجا و در بافت پیش از همخوان سایشی بی‌واک تیغه‌ای به همخوان /s/ تبدیل می‌شود، به عبارت دیگر می‌توان گفت که همخوان انسدادی/t/ در مشخصه روش تولید [+پیوسته] با همخوان پس از خود همگون می‌شود.

نکته قابل توجه این است که جهت همگونی در توالی همخوان‌های نوک‌زبانی غیرمشابه، در این زبان‌ها و زبان عربی یکسان نیست. زیرا اگرچه به باور سیبویه ادغام در این دو گروه به دلیل همجوار بودن جایگاه تولیدشان روی می‌دهد. اما در زبان عربی زمانی که یک واج صفیری در توالی با یکی از واج‌های انسدادی لثوی، عضو نخست باشد، به دلیل قرار داشتن در جایگاه ضعیف پایانه، ادغام روی نمی‌دهد مانند‌[mus.tamiʔ]→/mus.tamiʔ/ (شنونده). البتّه نمی‌توان این مسأله را به دیگر زبان‌ها تسرّی داد. همچنان که جدول (۲) نشان می‌دهد، جهت این فرایند در زبان‌های مورد بررسی در این پژوهش، با زبان عربی متفاوت است. هال و هامان[1] (2006: 1) این فرایند را "صفیری‌شدگی"[2] می‌دانند که به موجب آن یک همخوان انسدادی (تیغه‌ای) به همخوان سایشی یا انسایشی صفیری تبدیل می‌شود مانند /dix/ → [dzix] در زبان فرانسه کبک کانادا.

۲-٤. همگونی پیشرو کامل انسدادی تیغه‌ای واک‌دار

توالی [+تیغه‌ای، +پیوسته، +تیز، +واک، +پیش‌دهانی]پایانه + [+تیغه‌ای، -پیوسته، +واک]آغازه:

در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، زمانی که واج سایشی تیغه‌ای واک‌دار /z/ در توالی با واج انسدادی تیغه‌ای واک‌دار /d/، در مرز هجا قرار گیرد، به طور کامل طی فرایند همگونی پیشرو، واج انسدادی را با خود همگون می‌کند و توالی /-zd/ به صورت [-zz] تولید می‌شود.

همچنان که داده‌های جدول شماره (۲) نشان می‌دهند، واج انسدادی تیغه‌ای واک‌دار /d/ به طور کامل با همخوان سایشی تیغه‌ای واک‌دار پیش از خود همگون می‌گردد و توالی /zd/ به صورت [zz] تولید می‌گردد. بر اساس سلسله‌مراتب قدرت واجی مطرح شده در بخش مبنای نظری، همخوان‌های انسدادی از همخوان‌های سایشی دارای قدرت ذاتی بیشتری هستند.

1- Hall & Hamann
2- assibilation

جدول ۳- تبدیل توالی /-zd/ به [-zz]

فارسی معیار	دزدی	یازده	نزدیک
زیرساخت	Do**zd**i	jɑ**zd**ah	Na**zd**ic
فارسی	Do**zz**i	jɑ**zz**a	Na**zz**ic
بختیاری	Do**zz**i	jɑ**zz**a	Na**zz**ic
دوانی	Do**zz**i	jɑ**zz**a	Ne**zz**ic
لری	Do**zz**i	jɑ**zz**a	Ni**zz**ic
لارستانی	Do**zz**i	jɑ**zz**a	Ne**zz**ic

همچنین، واج انسدادی /d/ در جایگاه آغازه قرار دارد که بر اساس سلسله‌مراتب قدرت مطرح شده در بخش پیشین، در یک هجا این جایگاه از جایگاه پایانی قوی‌تر است و واج سایشی /z/ در جایگاه پایانه واقع شده است. اما در این فرایند، واج انسدادی مغلوب واج سایشی گردیده است و به طور کامل با آن همگون شده است. از آن جا که این همگونی در مشخصه [+پیوسته] که مربوط به روش تولید بوده منجر به همگونی کامل، تشدید، می‌شود. واج انسدادی دارای دو عامل قدرت در این بافت است اما قدرت کافی برای همگون کردن واج پیش از خود را ندارد و همگونی به صورت پسرو روی نمی‌دهد. عامل تعیین جهت در این فرایند، مشخصه [+تیز] واج سایشی است که مشخصه غالب است و باعث می‌شود واج دارای آن با وجود قرار داشتن در جایگاه ضعیف، در برابر همگونی مقاومت کند. از آنجا که واج‌های دارای این مشخصه به لحاظ شنیداری، قوی‌ترند، بر واج همجوار خود غلبه می‌کند. قاعده این همگونی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

قاعده ۲. تبدیل همخوان /d/ به /z/ در مرز هجا پس از همخوان /z/

$$d \rightarrow z / _.$$

قاعدهٔ ۲. تبدیل همخوان انسدادی به سایشی در مرز هجا

$$d \rightarrow z / VC\,\boldsymbol{\sigma}\,_$$

+همخوان،-] / [+همخوان،-رسا،+پیوسته،+تیغه‌ای،+واک] → [+همخوان،-رسا،-پیوسته،+تیغه‌ای،+واک]

_ **σ** [رسا،+پیوسته،+تیغه‌ای،+واک

همچنان که در بخش سوم یادآور شد، واج /z/ دارای مشخصه [+تیز] که یک مشخصه‌ا غالب در همگونی است و همخوان همجوار را با خود همگون می‌کنند. واج /d/ اگر چه در جایگاه قوی آغازه هجای دوم قرار دارد، اما در توالی با واج /z/ مغلوب می‌گردد و نمی‌تواند

این واج را با خود همگون کند. بنابراین توالی /dd*/ در مرز هجا در این زبان‌ها غیر مجاز است.از آن جا که واج‌های دارای مشخصه [+تیز] به لحاظ شنیداری بهتر دریافت می‌شوند، کاربران اقدام به ادغام این دو واج با هم و تولید توالی /zz/ می‌کنند.

۳-٤. همگونی پسرو واج خیشومی تیغه‌ای /n/ در جایگاه تولید

توالی [+خیشومی، +تیغه‌ای]پایانه + [−رسا، +واک، +لبی]آغازه:

در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، هرگاه همخوان خیشومی تیغه‌ای /n/ پیش از همخوان انسدادی دولبی /b/ ظاهر شود، در مشخصه جایگاه تولید با همخوان لبی /b/ همگون می‌گردد و به همخوان /m/ که واج خیشومی دولبی است تبدیل می‌گردد.

جدول ٤- تبدیل واج /n/ به /m/ در مرز هجا

فارسی معیار	شنبه	پنبه	تنباکو	انبار
زیرساخت	ʃa**nb**e	pa**nb**e	ta**nbn**cu	a**nb**ɑr
فارسی	ʃa**mb**e	pa**mb**e	ta**mb**ɑku	ʔa**mb**ɑr
بختیاری	ʃa**mb**e	pa**mb**e	-	ʔa**mb**ɑr
دوانی	ʃa**mb**e	pa**mb**e	ta**mb**ɑku	ʔa**mb**ɑr
دلواری	ʃa**mb**e	pa**mb**e	ta**mb**ɑku	ʔa**mb**ɑr
لارستانی	ʃa**mb**e	pa**mb**e	ta**mb**ɑk	ʔ**amb**ār

همگونی خیشومی در جایگاه تولید زمانی روی می‌دهد که یک واج خیشومی، مشخصه جایگاه تولید همخوان مجاور خود را بپذیرد. در ترکیب واج خیشومی تیغه‌ای /n/ با واج انسدادی لبی /b/، یعنی توالی همخوانی /n.b/ در مرز هجا، اگر واج خیشومی عضو نخست باشد، مغلوب واج انسدادی لبی واقع در جایگاه قوی آغازه، گردیده و در مشخصه جایگاه تولید با آن همگون شده و به منظور حفظ مشخصه [+ خیشومی]، به واج خیشومی لبی /m/ تبدیل می‌گردد. در این فرایند، جایگاه آغازه بر پایانه تسلط دارد و همچنین مشخصه جایگاه تولید لبی بر تیغه‌ای غلبه می‌کند. اما همچنان که در بخش ۳ مطرح شد، مشخصه [+خیشومی] مشخصه‌ای غالب است و در این فرایند حفظ می‌گردد. در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، همخوان‌های /p, b, m/ در طبقه همخوان‌های انسدادی لبی قرار دارند که /m, b/ واک‌دار و

/p/ بی‌واک است. از آن جا که این فرایند، جایگاه تولید واج خیشومی را مورد هدف قرار می‌دهد و مشخصه حنجره‌ای [+واک] مدنظر نیست، بنابراین، واج خیشومی تیغه‌ای که دارای مشخصه [+ واک] است به انسدادی لبی [+واک] تبدیل می‌شود، نه به واج /p/ که [−واک] است. قاعده این همگونی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

قاعده ۳. تبدیل همخوان /n/ به /m/ در بافت پیش از همخوان /b/

n → m / _. b

قاعدۀ ۳. تبدیل همخوان خیشومی تیغه‌ای به همخوان خیشومی لبی در مرز هجا

n → m / V_ σ C

[+همخوان،+خیشومی،+تیغه‌ای] → [+همخوان،+خیشومی،+لبی] / _σ [+همخوان،−رسا، −پیوسته،+لبی،+واک]

این فرایند در «قرآن» نیز مشاهده می‌شود. فرایند همگونی خیشومی تیغه‌ای در جایگاه تولید در «قرآن» در مرز هجا و واژه روی می‌دهد:

بازنمایی خطی ۳-۱۶. فرایند همگونی خیشومی در جایگاه تولید در قرآن (Sa’aida, 2020: 29)

(1) /ʔa**nb**a:ʔ/ → [ʔa**mb**a:ʔ]　　«اخبار»　　(در مرز هجا)

(2) /mi**n** **b**aʕdi/ → [mi**m** **b**aʕdi]　　«پس از»　　(در مرز واژه)

این نوع همگونی فرایندی است که در بسیاری از زبان‌های دنیا نیز مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، در زبان «کیماتومبی»[1] پیشوند /-ni/ به عنوان «اول شخص مفرد» کاربرد دارد. پس از فرایند حذف واکه پیشوند، واج خیشومی تیغه‌ای با همخوان پس از خود در مشخصه جایگاه تولید همگون می‌گردد:

بازنمایی خطی ۳-۱۷. همگونی جایگاهی خیشومی تیغه‌ای (Odden, 2005: 235)

(1) /**ni-b**álaaŋgite/ → /**n-b**álaaŋgite/ → [**mb**álaaŋgite]　　«من شمردم»

آدن (105 :2005) قاعده زیر را در ارتباط با «همگونی جایگاهی» واج خیشومی مطرح می‌سازد:

قاعده ٤. همگونی خیشومی در جایگاه تولید

C

خیشومی → [α جایگاه] _ [α جایگاه]

1 Kimatuumbi

در ترکیب واج خیشومی تیغه‌ای /n/ با واج انسدادی لبی /b/، اگر همخوان خیشومی عضو نخست ترکیب باشد، چه در مرز واژه و چه درون یک تکواژ ، واج خیشومی /n/ در مشخصه جایگاه تولید با واج انسدادی /b/ همگون شده و به واج خیشومی لبی /m/ تبدیل می‌گردد. در این بافت همگونی به طور کامل روی نمی‌دهد و ساخت /bb*/ غیر مجاز است زیرا د مشخصه ذاتی [+خیشومی] باید حفظ شود. در ترکیب یاد شده، دو عامل قدرت جایگاهی عضو دوم، واج انسدادی /b/، با قدرت ذاتی عضو نخست، واج خیشومی /n/ در رقابت هستند و همان‌طور که مشاهده می‌شود، قدرت جایگاهی بر قدرت ذاتی غلبه کرده است و جهت همگونی که پسرو است، تعیین گردیده است.

٤-٤. همگونی پیشرو واج خیشومی تیغه‌ای /n/

توالی [+خیشومی، +تیغه‌ای]پایانه + [−رسا، +واک، −پیوسته، +تیغه‌ای]آغازه

از میان زبان‌های ایرانی غربی جنوبی، در زبان بختیاری، هرگاه همخوان خیشومی تیغه‌ای /n/ پیش از همخوان انسدادی تیغه‌ای واک‌دار /d/ ظاهر شود، همخوان انسدادی را به طور کامل به صورت پیشرو با خود همگون می‌کند و توالی /-nd/ به صورت [-nn] تولید می‌گردد.

جدول ۵- تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] در زبان بختیاری

فارسی معیار	گندم	بنده	زنده	مانده
زیرساخت	ɟa**nd**om	ba**nd**e	Ze**nd**e	mā**nd**e
بختیاری	ɟa**nn**om	ba**nn**a	Ze**nn**a	ma**nn**a

در زبان بختیاری، در ترکیب واج خیشومی تیغه‌ای /n/ با واج دهانی انسدادی تیغه‌ای واک‌دار /d/، یعنی توالی همخوانی /n.d/ در مرز هجا، اگرچه واج خیشومی عضو نخست می‌باشد؛ یعنی در جایگاه ضعیف پایانه قرار دارد، اما بر واج انسدادی واقع در جایگاه قوی آغازه غالب گردیده و آن را به طور کامل با خود به صورت پیشرو همگون می‌کند. در این فرایند قدرت ذاتی بر قدرت جایگاهی غلبه می‌کند و این مشخصه ذاتی [+خیشومی] است که بر قدرت جایگاه آغازه مسلط شده و جهت همگونی را تعیین می‌کند. قاعده فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

قاعده ۵. تبدیل همخوان /d/ به /n/ در بافت پس از همخوان /n/ در مرز هجا

$d \rightarrow n / ._$

قاعدۀ ٤. تبدیل همخوان خیشومی تیغه‌ای به همخوان خیشومی لبی در مرز هجا

$d \rightarrow n / VC\ \sigma\ _$

[+همخوان،−رسا، −پیوسته،+تیغه‌ای، +واک] → [+همخوان،+خیشومی،+تیغه‌ای] /

[+همخوان،+خیشومی،+تیغه‌ای] σ _

قاعده (۵) نشان می‌دهد که همخوان انسدادی واک‌دار تیغه‌ای /d/ در مرز هجـا و در بافـت پس از همخوان خیشومی تیغه‌ای /n/ به همخوان /n/ تبدیل می‌شود، به عبارت دیگر مـی‌تـوان گفت که همخوان انسدادی/d/ در مشخصه[+ خیشومی] با همخوان پیش از خود به طور کامـل به صورت پیشرو همگون می‌شود.

٤-۲-۵. همگونی پسرو واج ملازی

در برخی از زبان‌های ایرانی غربی جنوبی مشاهده می‌شود که ترکیب همخوان‌های سایشـی تیغه‌ای بی‌واک /s/ با واج انسدادی واک‌دار ملازی /G/ در پایان تکواژ و مرز هجا، به همگـونی پسرو در مشخصه [+ پیوسته] منجر می‌شود.

جدول ٦- تبدیل توالی /Gs/ به [χs]

فارسی معیار	رقص	نقص	تقصیر
زیر ساخت	ra**Gs**	na**Gs**	ta**Gs**ir
دوانی	ra**χs**	Na**χs**	ta**χs**ir
دلواری	ra**χs**	Na**χs**	ta**χs**ir
لری	ra**χs**	Na**χs**	ta**χs**ir
بختیاری	ra**χs**	Na**χs**	ta**χs**ir

همچنان که داده‌های جدول (٦) نشان می‌دهد، واج انسدادی ملازی /G/ در بافـت پـیش از همخوان سایشی /s/، به همخوان سایشی ملازی /χ/ تبدیل می‌گردد و همگـونی نـاقص پسـرو روی می‌دهد. در توالی همخوانی /Gs/، اگر چـه واج انسـدادی عضـو نخسـت اسـت و دارای «قدرت جایگاهی» بیشتری نسبت به همخوان /s/ است، و این مطلب که همخوان‌های انسدادی از همخوان‌های سایشی قوی‌تر هستند، اما مغلوب واج پس از خود می‌گـردد و بـا آن همگـون می‌گردد. همخوان /s/ دارای مشخصـه [+تیـز] و نسـبت بـه واج انسـدادی /G/ دارای قـدرت

بیشتری است، بر آن غلبه می‌کند و جهت همگونی را به صورت پسرو تعیین می‌نماید. همخوان تیز هستند، اگر عضو نخست توالی باشند در همگونی شرکت نمی‌کنند اما اگر عضو دوم باشند، به دلیل قدرت ذاتی که دارند، بر واج نخست غلبه کرده و آن را با خود همگون می‌کنند. قاعده این فرایند به صورت زیر است:

قاعده ٦. تبدیل همخوان /G/ به /χ/

$$G \rightarrow \chi / _ s$$

قاعدهٔ ۵. تبدیل همخوان خیشومی تیغه‌ای به همخوان خیشومی لبی در مرز هجا

$$G \rightarrow \chi / V_ C$$

+همخوان،−رسا، −پیوسته،+افراشته، −] → [+همخوان،−رسا، −پیوسته،+افراشته، +واک، −جلودهانی، +پسین]

[+همخوان،−رسا، +پیوسته،+تیغه‌ای، −واک] σ_ / [واک، −جلودهانی، +پسین

قاعده (٦) نشان می‌دهد که همخوان انسدادی بی‌واک ملازی /G/ در توالی همخوانی پایان تکواژ و مرز هجا در بافت پیش از همخوان سایشی بی‌واک تیغه‌ای /s/ به همخوان سایشی ملازی بی‌واک /χ/ تبدیل می‌شود، به عبارت دیگر می‌توان گفت که همخوان انسدادی/G/ در مشخصه روش تولید [+پیوسته] و [+واک] با همخوان پس از خود همگون می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

پرسش‌های این **پژوهش** بدین قرارند: نخست عوامل نقش‌مند در جهت همگونی در زبان‌های ایرانی غربی جنوبی کدامند؟ دوم، کدام جایگاه و مشخصه واجی در بروز فرایند همگونی در این زبان‌ها نقش غالب دارد؟ سوم، کدام جهت در فرایند همگونی در این زبان‌ها رایج‌تر است؟ طی این پژوهش در ۷ زبان، پنج فرایند همگونی بین همخوان‌ها در مرز هجا بررسی شد. البته همه فرایندها در همه زبان‌های مورد بررسی مشاهده نگردید، زیرا قواعد مربوط به فرایندها، اصلی همگانی نبوده و به انتخاب کاربر زبان بستگی دارد. گاه یک فرایند از گویشی به گویش دیگر، از گونه‌ای به گونه دیگر در یک زبان واحد متفاوت است. تحلیل این فرایندها نشان می‌دهد که فرایند همگونی همخوان با همخوان در خوشه‌های همخوانی/st-/ و/nb-/ بسیار متداول است و از میان این دو خوشه همخوانی نیز همگونی در خوشه همخوانی /st-/رایج تر از همگونی در خوشه /nb-/ است. نتیجه دیگر این است که در این زبان‌ها در همگونی همخوان‌ها در توالی دو همخوانی، همخوان دارای قدرت ذاتی بیشتر، در فرایند غالب

است. واج‌های سایشی تیز مانند /z, s/ از واج‌های انسدادی مانند /d, t/ به لحظ ذاتی قوی‌تر هستند، اگرچه واج‌های انسدادی از سایشی قدرت بیشتری دارند. واج‌های خیشومی نیز از واج‌های غیرخیشومی به لحاظ ذاتی قوی‌ترند. به عنوان نمونه در توالی /nb-/، اگر چه واج /b/ در جایگاه قوی آغازه است، اما قادر به غلبه کامل بر همخوان خیشومی نیست و همگونی ناقص روی می‌دهد زیرا مشخصه [+خیشومی] باید حفظ گردد. در ارتباط با توالی /Gs-/ نیز از آن جا که واج /s/، جزو همخوان‌های تیز است، در چهار مورد از زبان‌ها، اگر عضو نخست توالی باشد در همگونی شرکت نمی‌کند، اما اگر عضو دوم باشند، به دلیل قدرت ذاتی که دارد، بر واج نخست غلبه کرده و آن را در مشخصه [+پیوسته] با خود همگون می‌کند. در ارتباط با جایگاه، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که جایگاه آغازه قوی‌تر از پایانه است اما همین جایگاه قوی نیز نمی‌تواند بر مشخصه‌های ذاتی چون [+تیز] و [+خیشومی] به طور کامل غلبه کند. همچنین باید گفت که از میان پنج فرایند همگونی بررسی شده، در چهار مورد، همگونیبه صورت پیشرو روی داده و بنابراین از همگونی پسرو رایج‌تر است.

هدف از انجام این پژوهش، پرداختن به دیدگاه سیبویه در ارتباط با رابطه همگونی با "قدرت نسبی جایگاهی"[1] و "قدرت ذاتی"[2] واج‌ها و طرح عوامل تعیین‌کننده جهت همگونی و تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از فرایندهای همگونی در زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری بر مبنای رویکرد «سیبویه» است. پرسش‌های این پژوهش بدین قرارند: ۱- کدام جایگاه و مشخّصه واجی در بروز فرایند همگونی در این زبان‌ها نقش غالب دارد؟ ۲- فرایند همگونی در کدام توالی‌های همخوانی رایج‌تر است؟ ۳- عوامل نقش‌مند در جهت فرایند همگونی در این زبان‌ها کدامند؟

در پاسخ به پرسش نخست، این یافته به دست آمد که در همگونی همخوان‌ها در توالی دو همخوانی، همخوان دارای قدرت ذاتی بیشتر، غالب است. واج‌های سایشی تیز مانند /z, s/ در زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی، لارستانی و لری، از واج‌های انسدادی مانند /d, t/ به لحظ ذاتی قوی‌تر هستند، زیرا دارای مشخّصه[+تیز] هستند که به باور سیبویه مشخّصه غالب در فرایندهای همگونی است.

1- positional strength
2- inherent strength

همخوان‌های خیشومی نیز در زبان‌های فارسی، بختیاری، دوانی و لارستانی از همخوان‌های غیرخیشومی به لحاظ ذاتی قوی‌ترند. به عنوان نمونه در توالی /nb-/، اگر چه همخوان /b/ در جایگاه قوی آغازه است، اما قادر به غلبه کامل بر همخوان خیشومی نیست و همگونی ناقص روی می‌دهد زیرا مشخصه [+خیشومی] باید حفظ گردد.در زبان بختیاری، در توالی /nd-/، از آن جا که هر دو همخوان در یک جایگاه، تولید می‌شوند، همخوان خیشومی بر همخوان همجوار غلبه کرده و آن را به طور کامل با خود همگون می‌سازد. در زبان‌های دوانی، بختیاری و لری در توالی /Gs-/ از آن جا که واج /s/، جزو همخوان‌های تیز است، اگر عضو نخست توالی باشد در همگونی شرکت نمی کند، امّا به عنوان دوّمین عضو به دلیل دارا بودن قدرت ذاتی بیشتر، بر همخوان نخست غلبه کرده و آن را در مشخّصه [+پیوسته] با خود همگون می‌سازد. در ارتباط با جایگاه، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که جایگاه آغازه قوی‌تر از پایانه است اما همین جایگاه قوی نیز نمی‌تواند بر مشخصه‌های ذاتی چون [+تیز] و [+خیشومی] به طور کامل غلبه کند.

در پاسخ به پرسش دوّم، پس از بررسی پنج فرایند همگونی در زبان‌های مورد نظر، این یافته حاصل شد که، تحلیل این فرایندها نشان می‌دهد که فرایند همگونی در توالی همخوا نی /st-/ و /zd-/ در پنج زبان فارسی، بختیاری، دوانی، لری و لارستانی مشاهده شده و بنابراین رایج تر است. پس از آن، همگونی در توالی /nb-/ در چهار زبان فارسی، بختیاری، دوانی و لارستانی روی داده است. در مرتبه سوّمِ همگونی در توالی /Gs-/ قرار دارد که در سه زبان دوانی، لری و بختیاری مشاهده شده است. و در پایان، فرایند همگونی در توالی /nd-/ فقط در زبان بختیاری روی می‌دهد.

به منظور پاسخ به سوّمین پرسش پس از بررسی ها این یافته به دست آمد که دو عامل «قدرت ذاتی» و «قدرت جایگاهی» عناصر واجی در تعیین جهت همگونی در زبان های مورد بررسی دارای نقش هستند. در فرایند همگونی در توالی های /st-/ و /zd-/، قدرت ذاتی همخوان‌های تیز بر قدرت جایگاهی همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای غلبه کرده است. در همگونی در توالی /nb-/، دو عامل قدرت ذاتی همخوان خیشومی و «قدرت ذاتی» همخوان انسدادی با یکدیگر در رقابت بوده و همخوان /n/ به منظور حفظ مشخّصه [+خیشومی]، به طور کامل با همخوان انسدادی واقع در آغازه هجای بعدی، همگون نگردیده است. در این

فرایند مشاهده شده که همخوان خیشومی نیز با وجود داشتن «قدرت ذاتی» بیشتر نسبت به همخوان انسدادی، نتوانسته آن را به طور کامل با خود همگون سازد زیرا همخوان انسدادی در آغازه که جایگاه قوی است، ظاهر شده است. اما در زبان بختیاری، مشخّصه [+خیشومی] به طور کامل بر «قدرت جایگاهی» در توالی /nd-/ غلبه می کند. در فرایند همگونی در توالی /Gs-/ در زبان‌های دوانی، لری و بختیاری، دو عامل «قدرت ذاتی» همخوان تیغه‌ای بی‌واک سایشی تیز بر «قدرت جایگاهی» همخوان انسدادی واقه در جایگاه نخست توالی، غلبه کرده و همخوان انسدادی را در مشخّصه روش تولید ([+پیوسته]) با خود همگون ساخته است.باز آنجا که در این مجال کوتاه امکان بررسی همه عوامل تأثیرگذار بر جهت همگونی در تمام زبان‌های ایرانی غربی جنوبی وجود ندارد، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی به این مسأله پرداخته شود که چرا همگونی در توالی /nd-/ و تبدیل شدن به [nn-] فقط در زبان بختیاری مشاهده گردیده است.

منابع

۱- ایزدپناه، حمید. (۱۳۸۱). *فرهنگ لری*. تهران: اساطیر.

۲- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۳). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد اول)*. تهران: سمت.

۳- سرلک، رضا. (۱۳۸۱). *واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ*. تهران: آثار.

٤- سلامی، عبدالنبی. (۱۳۸۱). *گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفتر اول)*. تهران: آثار.

۵- ___________ (۱۳۸۳). *فرهنگ گویش دوانی*. تهران: آثار.

٦- ___________ (۱۳۸۸). *گنجینه گویش‌شناسی فارس (دفتر پنجم)*. تهران: آثار.

۷- علی‌نژاد، بتول، میر سعیدی، عاطفه سادات. (۱۳۹۳). فرایند واجی همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی: بررسی صوت‌شناختی. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا*، ٦ (۱۱)، ۱٦۵-۱۸٦.

۸- فاضلی، محمد تقی، موحد نساج، عبدالعزیز. (۱۳۹٦). بررسی تطبیقی فرایندهای آوایی و واجی در گویش بختیاری با فارسی دری. *دو فصل‌نامه علمی- تخصصی مطالعات ایالت و عشایر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، *۷* (۲)، ۵۲-۲۵.

۹- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۱). *نیوشه: متن‌شناسی و تحلیل ضرب‌المثل‌های بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.

۱۰-منصف، ماهرخ، کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و گلفام، ارسلان. (۱۳۹٦). بررسی مقایسه‌ای فرایند همگونی در گونه‌های زبانی استان فارس. *فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، شماره ۱۷، ۱۱۵-۱۳۵.

11- Al-Nassir, A. (1993). *Sibawayh the Phonologist*. NY: Kegan Paul International.

12- Hall, T. (2003). Assibilation in modern German. *Lingua 114* (8), 1035–1062.

13- Hall, T., Hamann, S. (2006). Towards a typology of stop assibilation. *Linguistics 44* (6), 1195–1236.

14- Odden, D. (2005). *Introducing Phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.

15- Sa'aida, Z. (2020). Dominance in Coronal Nasal Place Assimilation: The Case of Classical Arabic. *English Linguistics Research, 9* (3), 25-35.

The Factors Affecting the Direction of Assimilation in Iranian South western Languages Based on Sibawayh Approach

Zahra Karimibavaryani[1]
PhD student in General Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Zeinab Mohammad Ebrahimi (Corresponding Author)
Assistant Professor, Department of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Aliyeh Kord Zafaranlou Kambouzia
Associate Professor, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Yadollah Mansouri
Assistant Professor, Department of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

This study is concerned with the factors affecting the direction of assimilation in Iranian south western languages based on Sibawayh approach. To do this, five different assimilation processes were studied in these languages. According to Dabirmoghadam (2013), the Iranian south western group of languages is divided into 7 languages which are Farsi, Davani, Lori, Delvari, Larestani, Laraki and Bakhtiari. The data were gathered using several fieldwork and printed sources. Among the achievements is, the dominance of inherent features in assimilation which inherited to some consonants related to their place and manner of articulation as "inherent strength", such as [+strident] and [+nasal]. The other dominant factor is the "positional strength" of "onset" rather than "coda" which determines the direction in assimilation. While these two factors, compete in a context, no assimilation occurs and "neutralization" will take place. Another achievement is that in these studied languages, the assimilation processes mainly occur progressively than regressively.

Keywords: Sibawayh, Positional strength, Inherent strength, assimilation, Iranian south western languages

1- z_mebrahimi@sbu.ac.ir